

انقراض جمعیت جوان کشور در آستانه بهار ۱۵۰۲

# واردات جوان یخزده برزیلی

● حذف یک صفر از سن مردم برای افزایش جمعیت جوان کشور

محمد اسدی  
فیروزه کوهیانی  
طنزپردازان

## آغاز سری جدید برنامه عمو پورنگ

داریوش فرضیایی (عمو پورنگ) که ماشالله مثل قالیچه کرمان است و در سن ۱۴۸ سالگی مثل جوان ۲۳ ساله بالا و پایین می‌پرد، سری جدید برنامه «محلہ نرو نیا» را روی آنتن خواهد برد. در این برنامه تلاش می‌شود با استفاده از شعر و قصه، آموزش‌های شهروندی به سالمندان و بازنشستگان داده شود.

## امسال نیز لیگ برتر برگزار نمی‌شود

در پی کمبود بازیکن برای تشکیل تیم‌های فوتبال، امسال نیز لیگ برتر فوتبال برگزار نخواهد شد. یک کاره فدراسیون فوتبال گفت: «در حال رایزنی با فیفا برای تغییر قوانین هستیم تا بتوانیم به جای ۱۱ نفر، تیم‌های ۳ نفره تشکیل دهیم.»

## واردات عمه یخزده برزیلی

در پی کاهش جمعیت عمه در کشور، سخنگوی تأمین بازار از واردات عمه برزیلی یخزده خبر داد. وی همچنین گفت: «درست است که زبان‌شان را نمی‌فهمیم ولی عوضش فوتبالیست‌های خوبی هستند.»

## تغییر کاربری ۲۵۱ مهد کودک به خانه سالمندان

وزیر «ورزش و سالمندان» در این رابطه گفت: «با این اتفاق، تا حدی مشکل کمبود خانه سالمندان در کشور برطرف خواهد شد.» وی همچنین گفت: «البته این طرح معایبی هم دارد؛ از جمله اینکه بعضی از سالمندان هنگام سرسره بازی، دچار کوفتگی و شکستگی لگن شدند.»

## کاهش مدت سر بازی

در پی افزایش جمعیت نیم درصدی سال ۱۵۰۲ نسبت به سال گذشته، رئیس سازمان نظام وظیفه اعلام کرد مدت سر بازی کاهش خواهد یافت؛ وی گفت: «مدت سر بازی از ۷ سال و ۲ ماه به ۷ سال و یک ماه کاهش خواهد یافت.»

## حذف یک صفر از سن مردم

به منظور کاهش میانگین سنی کشور و افزایش جمعیت جوان، طرح حذف صفر از سن مردم در دستور کار قرار گرفت؛ با اجرای این طرح امید است بحران‌های مربوط به پیری جمعیت تا حد خوبی اصلاح شود.

## پخش زنده مراسم عروسی در شبکه ملی

تنها مراسم عروسی ۷ سال گذشته کشور، به صورت زنده از تمام شبکه‌ها پخش خواهد شد. گفتنی است تمام شرایط برای برگزاری عروسی آماده شده است و در صورت پیدا شدن یک دختر خانم جوان برای ایفای نقش عروس، بزودی این مراسم برگزار خواهد شد.

## در پی افزایش میانگین سن مردم

### افزایش مدت زمان چراغ قرمز

با رسیدن میانگین سنی کشور به ۵۷ سال، سرعت عبور عابران پیاده از خیابان ۱۲ درصد کاهش خواهد یافت. به همین منظور میزان مدت چراغ قرمزهای سراسر کشور، از ۴۳۵ ثانیه به ۴۸۵ ثانیه افزایش خواهد یافت. مدیر روابط عمومی سازمان مدیریت مدت زمان چراغ قرمز کشور می‌خواست بیفزاید که باتری دستگاه ضبط خبرنگار ما به پایان رسید و نتوانست چیزی بیفزاید.

## مردم نگران نباشند! کمبود عصا، شایعه است

### طرح تعویض دوچرخه با عصا

در پی شایعه کمبود عصا در کشور، سالمندان دست به اعتصاب زدند و گفتند: «دیگر همین یک ساعت در هفته را هم کار نخواهیم کرد.» در همین راستا وزیر صنعت، عصا و تجارت با صدور بیانیه‌ای شایعه کمبود عصا در کشور را به شدت تکذیب کرد و گفت: «در پی راه‌اندازی طرح تعویض دوچرخه کودکان با عصا، هیچ گونه کمبود عصا نخواهیم داشت.»

## رکورد سینمای ایران جابه‌جا شد

### اکران فیلم تخیلی «قدم نورسیده مبارک»

با شروع اکران فیلم تخیلی «قدم نورسیده مبارک» صف‌های طولانی برای خرید این بلیت مقابل سینماها تشکیل شده است. در این فیلم تخیلی صحنه‌هایی از صدای خنده‌های بچه‌ها، روروتک، پوشک بچه، دالی بازی نوزادان، جججه و... توسط هوش مصنوعی بازسازی شده است. یک منتقد سینما می‌خواست به نقد این فیلم بپردازد که به علت فراموشی و آلزایمر نپرداخت.

## در همایش روز ملی جوانان رخ داد

### تقدیر از جوانی که جوان است

در همایش روز ملی جوانان، از جوان برتر سال تقدیر شد؛ این جوان برتر، برای دوازدهمین سال متوالی موفق به کسب این عنوان شد. گفتنی است این جوان کار خاصی نکرده است فقط چون تنها جوان باقی مانده کشور است هر سال از او تقدیر می‌کنند. وی در مصاحبه با خبرنگاری که از آنجا رد می‌شد، گفت: «من این موفقیت‌م را مدیون همه مردم هستم که با همت خود، جمعیت جوان کشور را کاهش داده‌اند.»

## کارخانه فولاد احیا شد

### اجاره کارخانه فولاد جهت برگزاری مراسم عزا

در پی کاهش نیروی کار و توقف تولید کارخانه فولاد، مدیرعامل این مجموعه تصمیم به اجاره کارخانه برای برگزاری مراسم عزا گرفت. مدیرعامل این کارخانه با ابراز خرسندی از این تصمیم گفت: «خوشبختانه به خاطر آمار بالای فوتی در کشور و مراسم عزا، این کار برای ما سودآوری زیادی داشته است.» وی در انتهای مصاحبه چیز خاص دیگری نگفت؛ یعنی گفت‌ها اما خیلی چیز خاصی نبود. باشد حالا که اصرار می‌کنید می‌گویم؛ وی در انتها گفت: «لطفاً پس از مراسم عزا آشغال‌هایتان را جمع کنید.» دیدید گفتیم چیز خاصی نگفت؟ ولی هی اصرار کردید که بگو. بیا بگویم. الان خیلی اطلاعات عمومی‌تان افزایش پیدا کرد مثلاً؟

## واردات دکتر از نیکاراگوئه

### فعلاً تخم مرغ وزرد چوبه بمالید

موج کاهش نیروی کار، به کادر درمان و پزشکی رسید. وزیر بهداشت که همزمان وزیر مسکن هم هست، در حالی که دندان‌های مصنوعی‌اش را زیر آب می‌شست، گفت: «فعلاً دکتر و پرستار نداریم. مردم اگر جایی‌شان درد گرفت، تخم مرغ و زرد چوبه بمالند تا بزودی دکتر از نیکاراگوئه وارد کنیم.»

دلم برای صدای بچه  
تنگ شده بود

## کلاهبرداری با تقلید صدای کودک

یک کلاهبردار حرفه‌ای که از ۱۲ پیرمرد و پیرزن اخاذی کرده بود، دستگیر شد. این کلاهبردار با تقلید صدای کودک در تماس تلفنی، طعمه‌های خود را هوایی می‌کرد و از آنها پول مفت می‌گرفت. یکی از این طعمه‌ها که در کلانتری محله‌شان حاضر شده بود، گفت: «این مرد به ما زنگ زد و صدای بچه درآورد؛ من هم که سال‌هاست دلم برای صدای بچه تنگ شده، خیلی خوشحال شدم. سپس از من درخواست پول کرد تا بستنی و پفک بخرد.» این پیرزن مالباخته در پاسخ به سؤال پلیس که گفت: «آیا برای شکایت به کلانتری مراجعه کردید؟» گفت: «نه با شکایت چیه؟ می‌خوام بیاریدش تا به بار دیگه صدای بچه دربیاره.»

## نظرات مردمی

فقط می‌گین بچه بیارین، نه امکاناتی نه رفاهی نه امنیتی! نه لباس مناسب برایش می‌دوزین، نه پارک مخصوص برایش می‌سازین، نه غذا برایش وارد می‌کنین، نه امنیت شغلیش رو تأمین می‌کنین، واکسناشم که خدا تومن پولشه. خب من با چه امیدی خواهر میشا رو بیارم. این چندمین باره دارم پیام می‌فرستم، لطفاً چاپ کنین.

مامان میشا پاکوتاه از مهدسگ

من می‌خواستم همین جا از مردم فهیمی که گول طرح‌های تشویقی دولت رو نمی‌خورن و بچه نیارن تشکر کنم. واقعاً خوشحالم از اینکه آینده شغلیم تضمین شده.

مدیر هستم با ۸۰ سال سابقه از پشت میز

سه ماهه داریم زنگ می‌زنیم شهرداری بیاد این چاله تو کوچه‌مون رو پر کنه، هر دفعه میگه نیرو نداریم. اون وقت هر چی من به این جاریم میگم بچه بیار، میگه بچه بیارم به جمعیت بیکارا اضافه کنم.

لطفاً مسئولان به جاری‌ام رسیدگی کنن. به جاری دلسوز از آینده

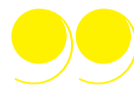
سلام

لطفاً با اسم بچه آخری روز از رو من بردارین یا به مامانم بگین به بچه دیگه بیاره، آخه چرا تو صف نونوایی ایستادن، آب آوردن قبل از خواب، ماساژ کف پای بابا، ماست خریدن قبل از ناهار، مشق نوشتن آخر شب باید با بچه آخری باشه؟

هشتمی هستم از به خانواده پرجمعیت

هر کجا فتنه و شلوغی هست  
باز یک قالب پنیر رسید؟روبهک! می جهی چرا سرمست  
زاغکی بردو بر درخت نشست؟

ابوالقاسم سیفی - شاعر



## تعجب فردوسی

امین شقیعی  
طنزپرداز

هوای تهران ابری و بارانی بود و آلودگی‌ها داشت از چهره شهر پاک می‌شد. ناگهان رعد و برق صاف خورد وسط مجسمه فردوسی واقع در میدان فردوسی و مجسمه فردوسی بزرگ ناگهان زنده شد و گفت: اینک پس از ۱۰۰۰ سال خموشی در آغاز قرن چهاردهم بیدار شدیم تا ببینیم چه بر زبان فارسی رفته است. ناگهان دو دختر به سمت او رفتند. دختر اول گفت: وای عجیب عجقولی من فرقی چونم. فردوسی که برگستوانش ریخته بود گفت یا فریدون فرخ! این چه زبانی است؟ کدام دشمن دون بر این سرزمین چیره شده است بگذارید... ناگهان دختر دوم دستش را گرفت و گفت میشی تو سیلی با ما میشی؟ میشی! فردوسی فریاد زد: به دادم برسید که من هیچ از سخن ایشان نمی‌فهمم.

دختر سلفی را گرفت و استوری کرد و بالای آن یک ماکروفر؟ یک عدد ۲ و حرف C انگلیسی را تایپ کرد.

فردوسی گفت: این دیگر چطور رسم الخطی است؟ دختر گفت: اسم خوجگتله دیگه! فر ۲۰۲

سر فردوسی داشت گیج می‌رفت که کودکی از داخل ماشین داد زد: بابا نوتل بابا نوتل! پدر کودک که یک پا گولاه بود پرید پایین و یک کت و کلاه قرمز بر تن فردوسی کرد و گفت داج دمت ویز بابانوتل ادا تو در میاره بز بریم کریسمس پارتی خفن ۲۰۲۲.

فردوسی گفت مردک گستاخ این جامه سرخ را بر تن بوزینگان و انتران می‌کنند. شرم بر این هیبت که رستمی را مانی و عقل گورخر داری. مرد فردوسی را پرت کرد در ماشین و گفت: داج بیخیخیل به امشبه رو بریم صفا. چیکاره حسنی شما؟

فردوسی گفت: افسوس من از این زبان یک کلمه هم نمی‌فهمم. گفت شغل داج.

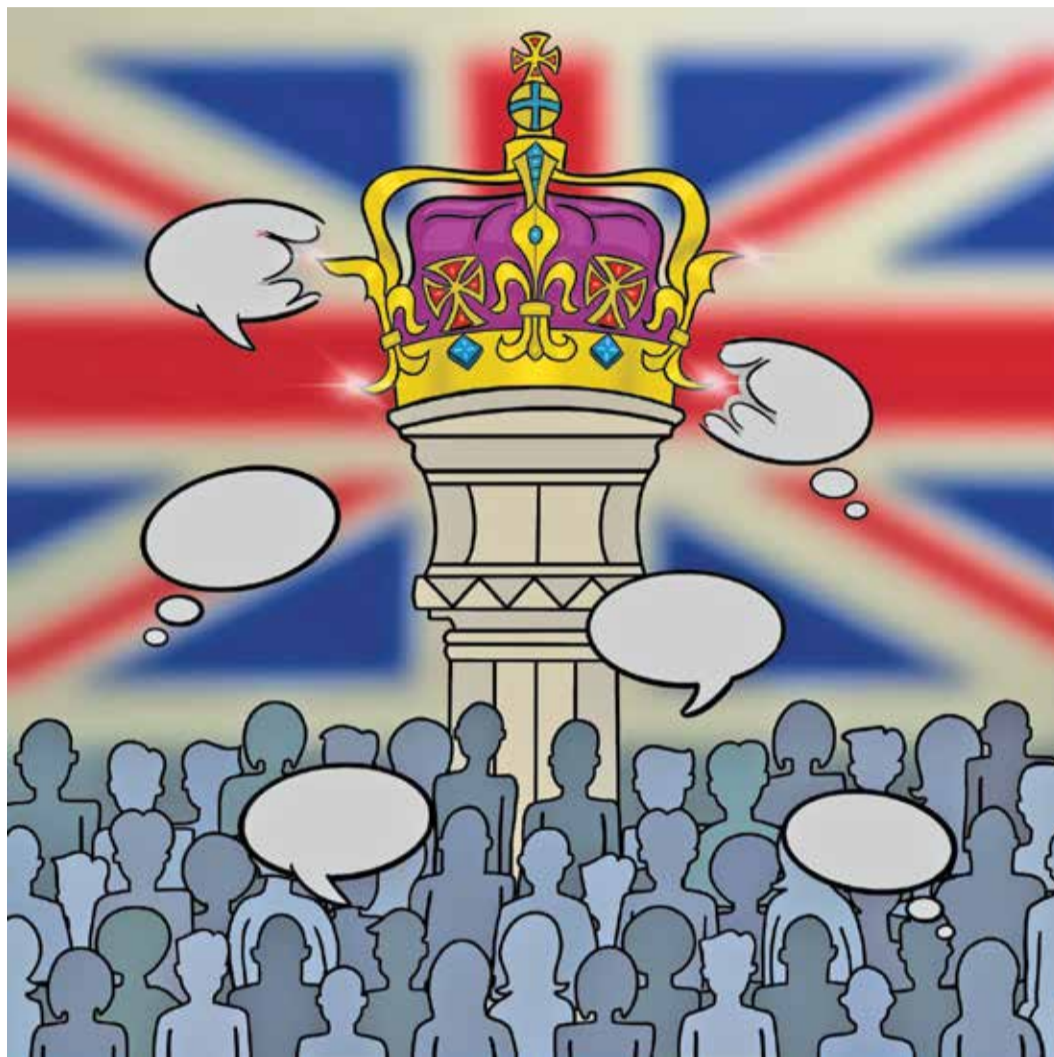
فردوسی گفت پیشه‌ام شاعری است بناهای آباد گردد خراب ز باران و از تابش آفتاب پی افکنم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند.

گولاه گفت ایول داج مام مثل خودت شاعریم بدآ به تکس برات پیام

بدم میاد از تصویر خودم از مست دیده شدن از دستگیره شدن از تصفیه شدن از برچیده شدن از سنجیده شدن از قصد دیده شدن

فردوسی که نمی‌توانست تحمل کند خودش را از ماشین پرت کرد بیرون و گفت چه غلطی کردم در قرن ۱۵ بیدار شدم. مردی گفت قرن ۱۴.

فردوسی گفت: چه؟ مرد گفت: ببین آغاز قرن یک سال یک بوده پس الان هنوز تو قرن چهارده‌ایم و سال ۱۴۰۱ قرن ۱۵ میشه. من به کانال دارم دانستن‌ها آفیسپال. شمارهت رو بده ادت کنم اطلاعات عمومیته بره بالا فردوسی مانده بود با این همه مزخرفات چگونه کنار بیاید که چند دانش‌آموز را دید که از مدرسه بیرون آمدند و کتاب ادبیات فارسی در دستشان است. بسیار خوشحال شد و پیش آنها رفت و گفت. آفرین بر شما که زبان فارسی از دم شما زندگی تازه یابد. یکی از بچه‌ها گفت ما که از فک زدنت چیزی حالیمون نشد امروز امتحان فارسی داشتیم. قیافت آشنا پاشنا مینه داج. عینهو این فردوسی تو صفحه ۴. راستی اثر فردوسی چی می‌شد؟ دوستش گفت تاریخ بیهقی. گفت خاک تو سرم من نوشتم دیوان فردوسی! فردوسی گفت: شاهنامه خیره سر! نام کتاب من شاهنامه است. پسر کوید تو سرش و گفت عهههه راست میگه پدی همش تقصیر توعه غلط میرسونی. پدرام گفت امتحان هر چی بوده دیگه خلاص و رو به فردوسی کرد و گفت بگی کنار رفتی نشی و ناگهان کتاب فارسی را آتش زدند. فردوسی فریاد برآورد که اینان نوادگان چنگیزند! من آن سال هم بیدار شدم و دیدم که چگونه کتاب‌های فارسی را آتش زدند. اینان نوادگان چنگیزند. کتاب‌های فارسی مقابل فردوسی سوخت و ناگهان فردوسی دید آتشی در قیای لباسش افتاده و ناگهان گر گرفت و خاکستر شد.

رامین اسلامی  
کاریکاتوربست

خبرنگار: اون ۴۰۰ میلیون دلاری که امریکا بابت سوخت دیزل به اوکراین داده بود خرج شد؟  
زلسکی: اووم، راستش یه چیزی رفته تو چشمم.

عباس داوری

سمیه قربانی

خبرنگار: آقای زلسکی این روزها مشغول چه کاری هستید؟  
زلسکی: نشسته‌ام به در نگاه می‌کنم...

علیرضا عبیدی

## کل بانک مرکزی را فتح کن! خلاق باش

مینا گودرزی  
طنزپرداز

گفت بابایی به فرزندش: پی اطراق باش مثل بابایت به میز و صندلی سنجاق باش

گر به دنبال مقام و پست هستی، مثل من، عاری از هوش و سواد و فهم و استحقاق باش

تارسانی دست خود را توی بیت‌المال رزد کش بیا از هر جهت، من را ببین! دیلاغ باش

کاسبی کن، نان بازو را بخور دلبندم کاسب تحریم شو اندر پی قاچاق باش!

تا شوی شایسته عنوان آقازادگی رانت را با سرعت بالا بخور، قیباق باش

این سلاطین، فاتحانی خرده‌پا هستند تو کل بانک مرکزی را فتح کن! خلاق باش

کوه مشکل‌های مردم را ببین و دم نزن هی بز خود را به خاکی و نفهمی، قاق باش

جُم نخور از پای این سفره که پهنش کرده‌ایم گوشه بالای خوان بیتوته کن! الصاق باش

نکته پایانی‌ام این است فرزند گلم لاغری در شأن ماها نیست، گرد و چاق باش!

## یک کلام، ختم کلام

بهزاد توفیق‌فر  
طنزپرداز

بنده اصالتاً از طرف خودم و نیابتاً از طرف خانواده دامدار پاجه‌شوری، اقوام و بستگان، دامادهای گرام، خصوصاً باجناق‌های معزز، از شما که قدم رنجه کردید و به این محفل فرهنگی هنری آموزشی پرورشی تشریف آوردید تشکر می‌کنم. یادآوری می‌کنم این انجمن اولیاء و مربیان نظارت دارد تا مدرسه غیردولتی غیرانتفاعی باهوشان بامدیریت فردا، فرزندان دلبنده شما را مثل چی آموزش دهد و خیالتون راحت. از طرفی لازم می‌دانم از حاج آقای دکتر پاجه‌شوری بزرگ، که اغلب شما به خاطر نام و اعتبار ایشان فرزندان خودتون رو به ما سپردید، دوباره تشکر کنم و عرض جان نثاری... بله؟

بله! الان به بنده اطلاع دادند اون معلمی که یادداشت بی‌نام داده بود و گله کرده بود که «دانش آموزان به پشتگرمی باباها و مامان‌های مدیرکل و معاون و اینهاشون، حرف معلم رو گوش نمی‌کنن و بعضاً حتی معلم بیچاره رو تهدید می‌کنن»، با همکاری واحد خط شناسی پلیس آگاهی شناسایی شد و همین الان عذرش رو خواستیم و باید بهتون دوباره اطمینان بدم که این نمره‌های بیست و نوزده و حتی بیست و یک، همگی حاصل تلاش‌های خستگی ناپذیر فرزندان جیگر شما تحت راهنمایی و راهبری کادر مجرب مجموعه مدارس پاجه‌شوری و پسران است. خب بفرمایید سالن بخل برای پذیرایی... یه کم یواشتر غذا برای سه برابر این جمعیت تدارک دیده شده و به همه می‌رسه... یواشتر... یواش... هوو...

## درخت بی‌ثمر

فرشته پناهی  
طنزپرداز

کارها مانده است روی زمین نشده خواهش کسی تأمین

نیست امید حل مشکل‌ها جز به دست ربات ساخت چین

بچه مچه کسی نژا بیده نیروی کار نیست بیش از این

هی سگ و گربه پرورش دادی؟! میوه بی‌کسی رسیده! بچین!

جمع پیر و پاتال‌ها جمع است بچه‌ها نوبرانه و گلچین

همگی نفله و له و شل و پُل نیست بر دردمان کسی تسکین

حس و حال جواب دادن نیست می‌شود هر مسیح تنها سین!

کاش فکری #برای... ما می‌کرد آن زمانی که گفت شعر شروین

تنتق توق تنق تنق بوم بوم سایه جنگ هم زده است کمین!

خاک عالم! وطن شود تسخیر چون کسی نیست ببرد روی مین

آه ای زندگی... برو! بدرو! آه پیران بی‌ثمر نفرین!...

احتمالاً بی!

۱۴۵۰  
شامسی

خانم پرستار  
به ربات اذان گو بگین  
الآن وقتشه. بیاد داخل

خاله قوتوبه  
یه قدم دیگه بردار  
دایه بیسنه.

قوتوبه بیوم.  
چه فرزند هم هست.

حقه خوبه کی دیگه ای  
نیست و کل مدت خودم  
روی تاب می سینم.

حقه خوبه کی  
دیگه ای نیست که  
بخوام لقمه مو باهاش  
تقسیم کنم.

بچه جون ربات معلم  
نیم ساعته سه کلاس  
منتظر توئه!

تعلیم و تربیت



خوش او همین. ضللی وقت بود می خواستم دعوتتون کنم. می دونم چند ده ساله بچه ندیدن.

ناراحت نباش به اینش فکر کن بچه ای نیست باید خورد همه خوراکی ها رو بخوری

یه لحظه همین جوری بسین دارم مگاشنم همدردی او لود می کنم.

لسن سورهام از طرف تو حالت دل گرفتگی دریافت می کنن. ناراحت نباش. بیابرات دوره ای آموزشی چگونه با دل گرفتگی خود کنار بیاییم توسط تجربه گران ۸۰ سال اخیر تنها در ۳ جلسی ۵۰ دقیقه ای ...

جمعاً غروب

عزیزم اگه به فکر بچه نباشیم عاقبتمون می شه مثل این.

به عاقد بگین نره یا کیس جدید که فقط ۵۰ سال اختلاف داره با داماد پیدا کردم جایگزین کیس قبلی که موقع عقد ضرر.

سید محمدجواد طاهری  
نازنین اسماعیل زاده  
نازنین اسماعیل زاده  
طراحی  
ایده